

بررسی تحولی هویت و رابطه آن با حرمت خود و حالت اضطراب در دانشجویان دوره کارشناسی

اثر: دکتر عباس رحیمی نژاد
استادیار مؤسسه روان‌شناسی و علوم تربیتی دانشگاه تهران
دکتر محمود منصور
استاد دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی
(استاد راهنما)
(از ص ۴۷۷ تا ۵۰۰)

چکیده:

تحول منزلت های هویتی سردرگم، دنباله‌رو، بحران‌زده و هویت یافته و نیز تغییرات هویت ملی و هویت مذهبی در دانشجویان سال اول تا چهارم دوره کارشناسی مورد بررسی قرار گرفت. همچنین میزان حرمت خود و حالت اضطراب در منزلت های هویتی چهارگانه و هویت ملی و هویت مذهبی مورد مقایسه قرار گرفت. پژوهش حاضر با هدف بررسی میزان تغییرات هویت "من"، هویت ملی و هویت مذهبی طی چهار سال در دانشگاه از یکسو و نیز مشخص کردن سطح حرمت خود و اضطراب در هر یک از زیرگروه های هویتی و تعیین سطح سلامت روانی در آنها انجام شد. پنج پرسشنامه پژوهش حاضر طی دو مرحله به صورت گروهی روی ۴۲۷ دانشجوی دختر و پسر اجرا شد. یافته های حاصل از مقایسه منزلت های هویتی حاکی از کاهش معنی دار هویت دنباله‌رو بود.

واژه‌های کلیدی: هویت من، هویت ملی، هویت مذهبی، حرمت خود، اضطراب.

مقدمه:

روان تحلیل‌گری سنتی به رابطه "من" (Ego) به عنوان یک عامل درونی در رابطه با زندگی اجتماعی کمتر توجه کرده است. لذا برخی از روان تحلیل‌گران که بعدها نوفرویدی نامیده شدند، کوشیدند تا به رفع این نقیصه بپردازند (اریکسن، ۱۹۶۸، ص ۲۴). از میان این روان تحلیل‌گران، اریکسن جایگاه ویژه‌ای دارد. بنابر نظریه وی شکل و تحول شخصیت در هشت مرحله از کودکی تا پیری تحقق می‌پذیرد و فرد آدمی در جریان تعامل با واقعیت برونی، دید خود را نسبت به جهان توسعه می‌بخشد (منصور، ۱۳۶۹، ص ۱۱۸). این تعامل بین "من" و جهان خارج در دوره نوجوانی از اهمیت خاصی برخوردار می‌شود. به گونه‌ای که نوجوان می‌کوشد تا از محیط، تفسیری عقیدتی به دست آورد. بدون تفسیر عقیدتی از جهان هستی "من" نوجوان تجارب متناسب با ظرفیتهای ویژه خود را نمی‌تواند توسعه دهد و سازماندهی کند (اریکسن، ۱۹۶۸، ص ۴۵). از سوی دیگر اریکسن علاوه بر هویت "من" به هویت گروهی نیز توجه کرده و تاثیر شرایط فرهنگی در شکل‌گیری هویت "من" را مورد تاکید قرار داده است. عامل قومیت (هویت قومی یا ملی) که گاه مفهوم ملیت را نیز دربرمی‌گیرد و نیز مذهب (هویت مذهبی) به عنوان هویت گروهی بر شکل‌گیری هویت "من" موثر است (اریکسن، ۱۹۶۸، ص ۴۵).

اگرچه مفهوم هویت توسط اریکسن مطرح شد، ولی با تلاش مارشیا (۱۹۶۶) تصریح و در قالبی بدیع به صورت عملیاتی تعریف شد. مارشیا براساس دو بعد تجربه بحران زدگی و سرمایه‌گذاری روانی در یک جدول دو موضعی چهار منزلت (Status) هویتی را در جدول ۱ ارائه داده است:

جدول شماره (۱):

چهارمنزلت هویتی از نظر مارشیا

		تمهد
خیبر	بلی	اکتشاف
بحران زدگی ^(۳)	هویت یافتگی ^(۱)	بلی
سردرگمی ^(۵)	دنباله روی ^(۴)	خیبر

مارشیا (۱۹۶۶، شماره ۱۴)

البته این چهار منزلت به عنوان چهار سطح که نوجوان باید یکی پس از دیگری آنها را طی کند مطرح نشده است، ولی منزلت بحران زدگی همواره قبل از هویت یافتگی تجربه می شود. تعریف عملیاتی مارشیا از منزلت های هویتی طی بیست و پنج سال گذشته به صورت گسترده مورد توجه روان شناسان قرار گرفته و در صدها پژوهش به کار بسته شده است. حاصل این مطالعات به خوبی کارآمدی تعریف عملیاتی مارشیا و روایی سازه آنرا در ارتباط با متغیرهای شخصیتی، شناختی و رفتاری از یکسو و شکل گیری شناخت خود در زمینه های تحولی، جنسیتی و الگوی وابستگی قومی از سوی دیگر را نشان می دهد (آرچر، ۱۹۹۴، ص ۶۲). پژوهش های انجام شده در حوزه هویت را می توان در وهله اول از جهت ارتباط مقوله هویت با کنش

وری (Functioning) بهینه روان شناختی و در وهله دوم از جهت تاثیر جنبه‌های فرهنگی و اجتماعی بر شاخص‌های سلامت روانی مورد بررسی قرار داد.

اول - رابطه هویت "من" با کنش وری بهینه روان شناختی و سلامت روانی
 رابطه هویت یافتگی به عنوان منزلت مطلوب هویتی با ابعاد کنش وری بهینه روان شناختی مورد مطالعه قرار گرفته است. واترمن (۱۹۹۲) طی مروری بر پژوهش‌های انجام شده در این زمینه رابطه هویت یافتگی را با حرمت خود^(۱) بالا، اضطراب و افسردگی پایین، هدفمند بودن، همکاری و کمک به دیگران، ظرفیت صمیمیت بالا و برخی جنبه‌های تفکر انتزاعی گزارش کرده است. از سوی دیگر کروگر (۱۹۹۶، ص ۳۸) با اشاره به نتایج پژوهش‌های مختلف رابطه سردرگمی هویت را با حرمت خود پایین، استقلال پایین، پایین بودن سطح قضاوت اخلاقی (اخلاق پیش قراردادی یا قراردادی)، سطح بالای ناامیدی، فاصله گرفتن از دیگران و انزوای طلبی، و نیز استفاده از سبک‌های شناختی کمتر پیچیده در مقایسه با هویت یافتگی و بحران زدگی گزارش کرده است.

از میان شاخص‌های مختلف کنش وری بهینه روان شناختی برخوردار از حرمت خود مناسب و اضطراب پایین به جهت نقش آنها در سلامت روانی از اهمیت بیشتری برخوردار است. بسیاری از مطالعات انجام شده مربوط به رابطه حرمت خود و مقوله هویت است. نتایج پژوهش‌های مختلف حاکی از وجود حرمت خود بالاتر در افراد هویت یافته است، درحالی‌که سطح حرمت خود سایر منزلت‌های هویتی پایین‌تر است (آدامز و همکاران ۱۹۷۹، بروئر ۱۹۷۳، بونت ۱۹۶۸، کابین ۱۹۶۶، مارشیا و فریدمن ۱۹۷۰، اُکلونل ۱۹۷۶، براگر ۱۹۸۲، راسموسن ۱۹۶۴، رید و همکاران ۱۹۸۴، رونفولد ۱۹۷۲، شنکل و مارشیا ۱۹۷۲، سیمون ۱۹۷۰ به نقل از واترمن ۱۹۹۲، ص ۶۲).

همچنین واترمن (۱۹۹۲، ص ۶۳) ضمن بررسی رابطه حالت اضطراب و هویت

یافتگی در پژوهش‌های مختلف، رابطه هویت یافتگی و حالت اضطراب پایین را نشان داده است و در برخی پژوهش‌ها بالاترین میزان حالت اضطراب در گروه بحران زده گزارش شده است. در زمینه رابطه اضطراب و هویت وستمن-آلیدا (۱۹۹۲، شماره ۲۲) بین اضطراب وجودی و هویت سردرگم به وجود ارتباط اشاره کرده است.

دوم- رابطه هویت ملی و هویت مذهبی با سلامت روانی

اغلب هویت قومی در مقایسه تعلق فرد به یک ملیت یا قومیت در برابر ملیت، یا قومیت دیگر لحاظ می‌شود. بنابراین در مطالعات مربوط به هویت قومی در کشورهای غربی به مقایسه هویت قومی مهاجران از کشوری دیگر در مقابل هویت قومی افراد ساکن و بومی همان کشور پرداخته شده است. استفاده از اصطلاح " هویت ملی " در حوزه روان‌شناسی مدت کوتاهی است که توجه روان‌شناسان را به خود جلب کرده است. بنابر نظر دیاز-گوئه ررو (۱۹۹۷، شماره ۸) این اصطلاح ابتدا در میان روان‌شناسان اسپانیایی زبان توسط کلمن (Kelman) در ۱۹۸۳ مطرح شد. البته اصطلاح هویت ملی با اصطلاح ملی‌گرایی در حوزه علوم سیاسی نیز ارتباط پیدا می‌کند، ولی روان‌شناسان سعی کردند این اصطلاح را در چارچوب روان‌شناسی تعریف کنند. کلمن برای هویت ملی ماهیت فرهنگی و قومی قائل شده و به آن بار سیاسی نیز می‌دهد. مونتررو (Montero) نیز در سال ۱۹۸۴ در تعریف هویت ملی به تعلق افراد به گروهی که دارای سرزمین، تاریخ و عناصر اجتماعی فرهنگی مشترک هستند اشاره می‌کند. دیاز-گوئه ررو (۱۹۹۷، شماره ۸) با استناد به تعریف هویت ملی از نظر ناوارو و کاپلو (Navaro and Cappello)، اقدام به تهیه پرسشنامه‌ای جهت سنجش هویت ملی نموده است. براساس تعریف ناوارو و کاپلو در سال ۱۹۸۶، هویت ملی عبارت است از میزان تعلق یک شهروند به نهادهای اجتماعی که به عنوان عناصر ارزشمند و مهم یک نظام ملی (اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، فرهنگی) محسوب می‌شوند (به نقل از دیاز-گوئه ررو، ۱۹۹۷، شماره ۸).

فینی (۱۹۹۰، شماره ۱۷) با مطالعه تعداد بسیار زیادی از نوجوانان (۱۲۳۸۶ نفر) تاثیر هويت قومی را بر حرمت خود، اعتماد به خود در تحصیل، و هدف زندگی در سه گروه آمریکایی سفیدپوست، سیاه پوستان و اسپانیایی زبانها و گروه سوم آسیایی های مقیم آمریکا مورد بررسی قرار دادند. نتیجه این پژوهش نشان داده که آمریکایی های سفیدپوست در پایین ترین، سیاه پوستان و اسپانیایی زبانها از بالاترین میزان هويت قومی و آسیایی ها در حد متوسط از هويت قومی برخوردار بوده اند. دیگر یافته جالب توجه در این پژوهش این است که هرچه سطح هويت قومی افزایش داشته به همان نسبت سطح حرمت خود، هدف زندگی و اعتماد به خود نیز افزایش نشان داده است.

گرایش به مذهب از یکسو بر شکل گیری هويت من تأثیر دارد (اریکسن، ۱۹۶۸، ص ۲۶) و از سوی دیگر با شاخص های سلامت روانی رابطه مثبت دارد (گورساج، ۱۹۸۸، ش ۱۱). اگرچه غالب روان شناسان در نیمه اول قرن بیستم چندان توجهی به مسئله مذهب نداشتند، اما همانطوری که گورساج (۱۹۸۸، شماره ۱۱) متذکر شده است حتی در روی آورد رفتاری نگر نیز نقش متغیر مذهب در رفتار اشخاص نادیده گرفته نشده است. برای مثال، بین مذهبی بودن و استفاده نکردن از مواد مخدر، پیش دآوری ها و نیز رفتار جنسی قبل از ازدواج کاملاً رابطه وجود دارد. البته بعدها برخی از روان شناسان برای مذهب جایگاه ویژه ای قائل شده اند و در نظریات خود مستقلاً به آن پرداخته اند. برای مثال، موضع گیری کتل در سال ۱۹۷۵ این است که گرایش به مذهب می تواند کشاننده های اساسی انسان را زیر تاثیر خود قرار دهد و آلپورت با تقسیم بندی جهت گیری درونی و بیرونی در سال ۱۹۵۰ به مطالعات روان شناسی مذهبی غنای بیشتری بخشیده است (به نقل از فولتن، ۱۹۹۷، شماره ۱۰).

علی رغم وجود نظریه پردازی هایی درباره مذهب و خصوصاً رابطه مذهبی بودن و مقوله هويت، تعداد بررسی های تجربی در این زمینه بسیار ناچیز است (فولتن، ۱۹۹۷، شماره ۱۰). فولتن طی مطالعه ای رابطه هويت یافتگی و جهت گیری

درونی مذهبی را مورد تایید قرار داده است.

سوم - رابطه تحصیل در دانشگاه با هویت "من" و هویت مذهبی

سومین عامل فرهنگی اجتماعی اثر بخش در قلمرو تحول هویت جوانان، محیط آموزشی است. اگرچه بحران هویت طبق نظریه اریکسن از نوجوانی آغاز می شود، اما با توجه به پیچیدگی، گستردگی و چند بعدی بودن فرآیند دستیابی به هویت، اغلب نمی توان پایان دوره نوجوانی را سطح نهائی هویت یافتگی کامل دانست. تغییرات روانشناختی در خلال گذراندن یک دوره آموزشی چهارساله دانشجویی، امری است که توجه پژوهشگران مختلفی را به خود معطوف داشته است. برای مثال آستین (۱۹۹۷، شماره ۷) طی یک مطالعه وسیع درباره ۲۰۰۰۰۰ نفر از دانشجویان ۳۰۰ موسسه، گزارش داد که دانشجویان طی چهارسال دوره دانشجویی در جنبه های آزادی خواهی، توان تحمل، دید باز و استقلال دارای پیشرفت قابل ملاحظه ای شدند (به نقل از لووینجر و همکاران ۱۹۸۵، شماره ۱۳). مطالعات طولی انجام شده روی دانشجویان بیانگر افزایش هویت یافتگی از سال اول تا سال چهارم دانشجویی است (واترمن، جیری و واترمن ۱۹۷۴، شماره ۲۰). مطالعه طولی دیگری که توسط لووینجر و همکارانش (۱۹۸۵، شماره ۱۳) صورت گرفت نشان داد که طی چهارسال دوره دانشجویی در گروه دانشجویان مذکر میانگین هویت "من" از افزایش یکنواخت ولی اندک برخوردار بوده است، درحالیکه در گروه دانشجویان مونث به عکس کاهش یکنواخت هویت "من" گزارش شده است.

درباره تأثیر تحصیل در دانشگاه بر گرایش مذهبی دانشجویان یافته ها ناهماهنگ است. مطالعه واترمن و واترمن (۱۹۷۴، شماره ۱۹) حاکی از افزایش هویت مذهبی بود، در حالیکه در مطالعه واترمن، گیری و واترمن (۱۹۷۴، شماره ۲۰) افزایش سردرگمی مذهبی گزارش شده است. البته این مطالعات انجام شده روی دانشجویان انگلیسی صورت گرفته است.

با توجه به پیشینه پژوهش درباره تأثیر متفاوت تحصیل در دانشگاه بر هویت "من" و هویت مذهبی و نیز با در نظر گرفتن ضرورت مقایسه بین فرهنگی در خصوص رابطه منزلت های هویتی، هویت مذهبی و هویت ملی با شاخص های سلامت روانی مانند حرمت خود بالا و سطح اضطراب پایین پژوهش حاضر انجام شد. در پژوهش حاضر تأثیر سالهای تحصیل دانشجویان بر هویت یافتگی، بحران زدگی، سردرگمی و دنباله روی آنها از یکسو و تأثیرات سالهای تحصیل بر تغییرات گرایش به مذهب و نفی مذهب و نیز نفی هویت ملی و هویت ملی از سوی دیگر مورد مطالعه قرار گرفته است. با توجه به فقدان آمار و ارقام در خصوص درصد منزلت های هویتی چهارگانه در جمهوری اسلامی ایران، پژوهش حاضر امکان ترسیم روند تحول هویت من در دانشجویان ایرانی را فراهم می کند.

اهداف

پژوهش حاضر داری اهداف مختلف زیر است:

- ۱- بررسی فرآیند تحول هویت در دانشجویان دانشگاه از سال اول تا چهارم.
- ۲- بررسی رابطه منزلت های چهارگانه هویت با شاخص های سلامت روانی مانند حالت اضطراب و حرمت خود.
- ۳- بررسی رابطه هویت ملی، هویت مذهبی، هویت فردی و حالت اضطراب با حرمت خود.

فرضیه ها

الف - فرضیه های مربوط به تحول منزلت های هویت:

- ۱- با افزایش سالهای تحصیل، درصد دانشجویان " هویت یافته " افزایش می یابد.
- ۲- با افزایش سالهای تحصیل، درصد دانشجویان " بحران زده " کاهش می یابد.

۳- با افزایش سالهای تحصیل، درصد دانشجویان " دنباله رو " کاهش می یابد.

۴- با افزایش سالهای تحصیل، درصد دانشجویان " سردرگم " کاهش می یابد.

ب - فرضیه های مربوط به هویت ملی و مذهبی :

۵- با افزایش سالهای تحصیل، میزان هویت ملی در دانشجویان افزایش و نفی هویت ملی در آنها کاهش می یابد.

۶- با افزایش سالهای تحصیل، میزان هویت مذهبی در دانشجویان افزایش و نفی هویت مذهبی در آنها کاهش می یابد.

ج - فرضیه های مربوط به همبستگی هویت های ملی، مذهبی با حرمت خود و حالت اضطراب:

۷- بین حرمت خود و هویت یافتگی فردی، هویت ملی و نیز هویت مذهبی همبستگی خطی مثبت وجود دارد.

۸- بین حرمت خود و هویت سردرگم، نفی هویت ملی و نفی هویت مذهبی همبستگی خطی، منفی وجود دارد.

۹- بین حالت اضطراب و هویت یافتگی فردی، هویت ملی و هویت مذهبی همبستگی خطی منفی وجود دارد.

۱۰- بین حالت اضطراب و بحران دگی، سردرگمی، نفی هویت ملی و نفی هویت مذهبی همبستگی خطی مثبت وجود دارد.

د - فرضیه های مربوط به مقایسه حرمت خود و اضطراب در منزلت های هویت من:

۱۱- بالاترین سطح حرمت خود به منزلت های هویت یافته و بحران زده تعلق

دارد که از دو منزلت هویت دنباله رو و سردرگم به نحو معنی داری بیشتر است.

۱۲- بالاترین اضطراب به دو منزلت هویت بحران زده و سردرگم تعلق دارد که

از دو منزلت هویت یافته و دنباله رو به نحو معنی داری بیشتر است.

روش

* روش جمع آوری اطلاعات

با توجه به تعداد زیاد پرسشنامه‌های پژوهش حاضر، جمع آوری اطلاعات در دو مرحله صورت گرفت. در مرحله اول پرسشنامه هویت ملی و نفی هویت ملی، حالت اضطراب و پرسشنامه

(EOM-EIS2)^(۱) (Extended Objective Measure of Ego Identity Status)

به صورت گروهی اجرا شد. در مرحله دوم پرسشنامه حرمت خود و پرسشنامه هویت مذهبی و نفی هویت مذهبی به صورت گروهی در کلاس درس ضمن هماهنگی قبلی با اساتید اجرا شد. با توجه به ضرورت مشخص کردن پرسشنامه‌های مربوط به یک نفر، از آزمودنی‌ها خواسته شد تا مشخصات فردی و رشته تحصیلی و سال تحصیلی خود را مشخص کنند. البته به هنگام جمع آوری اطلاعات اطمینان داده شد که نتایج فردی مربوط به اشخاص محرمانه بوده و در اختیار هیچ مرجع دانشگاهی قرار نمی‌گیرد. حدود ۵۰۰ دانشجو به پرسشنامه‌ها جواب دادند و فقط کمتر از ۱۰ نفر از پاسخ دادن به پرسشنامه هویت مذهبی و هویت ملی خودداری کردند.

* نمونه پژوهش

تعداد ۴۷۲ نفر از دانشجویان زن و مرد دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران با توجه به امکان اجرای پرسشنامه‌های مختلف در گروه‌های آموزشی عربی، جغرافیا، تاریخ و باستان‌شناسی انتخاب شدند. در گروه‌های انتخاب شده دانشجویان از سال اول تا چهارم مورد مطالعه قرار گرفتند. با توجه به اینکه در اکثر

رشته‌ها دانشجویان طی سه سال و نیم فارغ التحصیل می‌شوند، لذا از لحاظ تعداد نمونه در سطح دانشجویان سال چهارم در مقایسه با سالهای قبل کاهش قابل توجه در تمام رشته‌ها وجود داشت. دانشجویان سال اول ۱۵۹ نفر، سال دوم ۱۲۴ نفر، سال سوم ۱۳۶ نفر و سال چهارم ۵۳ نفر بودند. برای انجام آزمونهای آماری دانشجویان کمتر از ۲۵ سال در نظر گرفته شدند و دانشجویان مسن‌تر حذف گردیدند. همچنین برای آزمون مجدد پرسشنامه حرمت خود و سنجش عینی هویت من ۵۰ نفر از دانشجویان سال اول تا چهارم دانشجویان دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی دانشگاه تهران نیز انتخاب شدند.

* ابزار سنجش

در پژوهش حاضر از پنج پرسشنامه استفاده شده است. این پرسشنامه‌ها عبارتند از:

۱- پرسشنامه حالت اضطراب اشیلیبرگر - این پرسشنامه دارای ۲۰ سوال است که میزان اضطراب را در هنگام اجرای پرسشنامه می‌سنجد. اعتبار و روایی پرسشنامه مذکور توسط پناهی (۱۳۷۱، شماره ۱) روی دانشجویان ایرانی مورد مطالعه و تایید قرار گرفته است.

۲- پرسشنامه حرمت خود بزرگسالان کوپراسمیت - این پرسشنامه دارای ۵۸ سوال است و توسط دادستان در سال ۱۳۷۷ به فارسی ترجمه شده است. ضریب آلفای کرونباخ این پرسشنامه در پژوهش حاضر ۰/۹۷ و در آزمون مجدد ۰/۸۵ بدست آمده است.

۳- پرسشنامه هویت ملی و نفی هویت ملی - این پرسشنامه دارای ۱۴ سوال برای هویت ملی و ۱۴ سوال برای نفی هویت ملی است. دو مقیاس ۱۴ سوالی اخیر پس

از مطالعه تحلیل عاملی توسط رحیمی نژاد و احمدی (۱۳۷۴، شماره) از جهت روایی سازه مورد تایید قرار گرفته است. البته ضریب آلفای کرونباخ هویت ملی پژوهش حاضر ۰/۹۵ و در مورد نفی هویت ملی ۰/۸۳ بدست آمده است.

۴- پرسشنامه هویت مذهبی و نفی هویت مذهبی - این پرسشنامه دارای ۳۲ سوال برای هویت مذهبی و ۲۵ سوال برای نفی هویت مذهبی است. دو مقیاس اخیر پس از مطالعه تحلیل عاملی توسط رحیمی نژاد و احمدی (۱۳۷۴، شماره) از جهت روایی سازه مورد تایید قرار گرفته است. یافته‌های مربوط به اعتبار این دو مقیاس روی آزمودنی‌های طرح حاضر نیز موید اعتبار بالای این دو مقیاس است. ضریب آلفای کرونباخ مقیاس هویت مذهبی ۰/۹۹ و مقیاس نفی هویت مذهبی ۰/۹۲ بدست آمده است.

۵- پرسشنامه گسترش یافته سنجش عینی هویت من (EOM-EIS2) - این پرسشنامه که توسط آدامز و همکارانش در سال ۱۹۸۶ پرسشنامه تکمیل و گسترش یافته است دارای ۶۴ سوال است. با توجه به اینکه جهت تشخیص هویت یافتگی، بحران زدگی و سردرگمی اغلب از شیوه مصاحبه استفاده می‌شد. جهت سنجش عینی هویت من آدامز ابتدا در سال ۱۹۸۴ پرسشنامه OM-EIS و سپس در سال ۱۹۸۶ پرسشنامه EOM-EIS2 را با کمک همکارانش تهیه کرد. با این اقدام از یک سو امکان سنجش عینی هویت در قالب اعداد و ارقام امکانپذیر شد و از سوی دیگر امکان اجرای گروهی این پرسشنامه نیز فراهم شد (آدامز، ۱۹۸۹، شماره ۵).

پرسشنامه (EOM-EIS2) در دو بخش عقیدتی (Ideological) و بین شخصی (Interpersonal) و در هر بخش دارای ۴ محتوی است. بخش عقیدتی هویت در خصوص موضع‌گیری فرد نسبت به شغل، فلسفه زندگی، مذهب و سیاست و بخش هویت بین فردی شامل موضع‌گیری فرد نسبت به نقش همسری، انتخاب

دوست، انتخاب تفریح و تنظیم رابطه فرد با جنس مخالف است. البته در پرسشنامه آدامز (۱۹۸۹، شماره ۵) در بخش هویت بین فردی از قرار ملاقات (Dating) استفاده شده بود که با توجه به هنجار جامعه اسلامی ایران بجای قرار ملاقات، مشخص کردن رابطه فرد با جنس مخالف جایگزین شد. البته این تغییر در محتوا با در نظر گرفتن ساختار چهار منزلت هویت یافتگی، بحران زدگی، سردرگمی و دنباله روی انجام شد (آدامز، ۱۹۸۹، شماره ۵)

اعتبار و روایی پرسشنامه گسترش یافته سنجش عینی هویت من - آدامز و همکارانش (۱۹۸۹، شماره ۵) ضمن تدوین دستورالعمل نسبتاً کاملی انواع اعتبار و روایی پرسشنامه خود را در حد قابل قبولی گزارش کرده‌اند. با توجه به اینکه این پرسشنامه برای اولین بار در جمهوری اسلامی ایران استفاده شده، لازم است تا از جهت اعتبار و روایی در گروه ایرانی مورد مطالعه قرار گیرد.

در مطالعه اعتبار پرسشنامه (EOM-EIS2) بر حسب ضریب آلفای کرونباخ اجرا شده روی ۴۳۸ نفر از دانشجویان زن و مرد در مقیاس های هویت عقیدتی و هویت بین شخصی از ۵۹٪ تا ۸۱٪ بدست آمد. نتایج بدست آمده از محاسبه ضریب آلفای کرونباخ توسط بنیون و آدامز در سال ۱۹۸۶ در همان مقیاس ها از ۶۲٪ تا ۷۵٪ گزارش شده است که با نتایج پژوهش حاضر کاملاً مشابه است (آدامز ۱۹۸۹، شماره ۵).

همچنین اعتبار پرسشنامه (EOM-EIS2) بر حسب آزمون - آزمون مجدد روی ۶۳ نفر از دانشجویان زن و مرد مطالعه شده در مقیاس های هویت عقیدتی و بین شخصی از ۵۴٪ تا ۷۶٪ بدست آمد. ضریب اعتبار آزمون - آزمون مجدد محاسبه شده توسط گروت ونت و آدامز ۱۹۸۴ از ۵۹٪ تا ۸۲٪ گزارش شده است. ضریب اعتبار مطالعه شده در پژوهش حاضر مشابه به مطالعه گزارش شده توسط گروت ونت و آدامز در سال ۱۹۸۴ (آدامز ۱۹۸۹، شماره ۵).

برای بررسی روایی سازه مقیاس های سنجش هویت پرسشنامه (EOM-EIS2) در

پژوهش حاضر از روایی همگرا- واگرا و نیز تحلیل عاملی استفاده شد. روایی همگرا- واگرا با تشکیل ماتریس همبستگی مقیاس های هویت عقیدتی و هویت بین شخصی در چهار منزلت هویتی سردرگم، دنباله‌رو، بحران‌زده و هویت یافته روی (جهت بررسی همبستگی مقیاس های پنج پرسشنامه پژوهش حاضر فقط ۱۷۶ نفر هر پنج پرسشنامه پژوهش را تکمیل کرده بودند. بنابراین ماتریس همبستگی بین مقیاس ها روی ۱۷۶ نفر اجرا شد.) ۱۷۶ دانشجوی زن و مرد در پژوهش حاضر محاسبه شد. همبستگی بدست آمده در منزلت های هویتی مشابه در هویت عقیدتی و بین شخصی جهت سنجش روایی همگرا بین ۰/۴۲ تا ۰/۶۵ بدست آمد.

روایی سازه پرسشنامه گسترش یافته سنجش عینی هویت من، درباره آزمودنیهای پژوهش حاضر با استفاده از تحلیل عاملی نیز مورد بررسی قرار گرفته است. با استفاده از ملاک ارزش ویژه (Eigenvalue) بالاتر از واحد (روش کایزر) (Kaiser) و چرخش واریماکس (Varimax rotation) پس از ۱۷ چرخش آزمایشی (Iteration) ۱۹ عامل بدست آمد. برای تعیین تعداد عوامل مناسب از میان ۱۹ عامل با استفاده از آزمون شیب دامنه (Scree test) کتل (Cattell, R.B) استخراج ۴ عامل مناسب تشخیص داده شد. با تعیین ۴ عامل جهت استخراج عوامل با چرخش واریماکس پس از ۹ چرخش آزمایشی مواد آزمون در قالب ۴ عامل استخراج شدند. عامل اول (دنباله روی) با ارزش ویژه ۷/۰۶، عامل دوم (بحران زدگی) با ارزش ویژه ۵/۸۹، عامل سوم (سردرگمی) با ارزش ویژه ۴/۳۶ و عامل چهارم (هویت یافتگی) با ارزش ویژه ۲/۵۲ با توجه به تناسب مواد چهار مقیاس پرسشنامه سنجش هویت عینی با کلید پرسشنامه تهیه شده توسط آدامز و همکارانش قابل نامگذاری تشخیص داده شده‌اند. از میان ۱۶ مقیاس هر یک از مقیاس های چهارگانه پرسشنامه مذکور، ۱۵ ماده از مقیاس دنباله روی (عامل اول) با بار عاملی ۰/۳۹ تا ۰/۷۵، ۱۴ ماده از مقیاس بحران زدگی (عامل دوم) با بار عاملی ۰/۳۳ تا ۰/۶۰، ۱۰ ماده از مقیاس سردرگمی (عامل سوم) با بار عاملی ۰/۲۹ تا ۰/۶۲ و ۱۰ ماده از مقیاس هویت

یافتگی (عامل چهارم) با بار عاملی ۰/۳۰ تا ۰/۶۹ وجود ۴ عامل هویتی در گروه ایرانی را تایید می‌کند.

نتیجه:

یافته های مربوط به فرضیه های ۱ تا ۴، تحول ساختار هویت در خلال سالهای تحصیل با استفاده از آزمون مجذور کای در بخش هویت عقیدتی در جدول شماره ۱ ارائه شده است.

با توجه به معنی دار بودن رابطه افزایش سالهای تحصیل با ساخت های هویتی در سطح خطای ۰/۰۰۲ در جدول شماره ۲ می توان روند تغییرات ساخت های هویتی در خلال چهار سال تحصیل در دانشگاه را مورد بررسی قرار داد. با افزایش سالهای تحصیل از درصد دانشجویان دنباله رو کاسته و بر دانشجویان هویت یافته افزوده می شود. تغییرات مربوط به سردرگمی هویت از روند ثابتی برخوردار نیست به طوری که گاهی سیر صعودی دارد و گاهی سیر نزودلی، در خصوص تغییرات مربوط به بحران زدگی هویت نیز تغییرات قابل توجهی دیده نمی شود.

جدول شماره ۱) آزمون مجذور کای بین سالهای تحصیل در دانشگاه و

منزلت های هویت دانشجویان در مقیاس هویت عقیدتی

	سردرگمی دنباله روی	بحران زدگی	هویت بانگن		
سال چهارم	فرآوانی مشاهده شده	۱۰	۲	۳۴	۷
	فرآوانی مورد انتظار	۷/۷	۴/۳	۲۲/۸	۶/۲
سال سوم	فرآوانی مشاهده شده	۱۲	۵	۹۹	۲۰
	فرآوانی مورد انتظار	۱۹/۹	۱۰/۹	۸۹/۳	۱۵/۸
سال دوم	فرآوانی مشاهده شده	۲۶	۹	۷۲	۱۷
	فرآوانی مورد انتظار	۱۸/۱	۱۰	۸۱/۴	۱۲/۴
سال اول	فرآوانی مشاهده شده	۲۱	۲۲	۱۰۵	۱۱
	فرآوانی مورد انتظار	۳۲/۲	۱۲/۸	۱۰۴/۴	۱۸/۵

فقط ۶/۳ درصد از خانه های فرآوانی مورد انتظار کمتر از ۵ است. مقدار مجذور کای بحرانی ۲۵/۷ با درجه آزادی ۹ در سطح ۰/۰۰۲ معنی دار است.

جهت آزمون فرضیه های ۵ و ۶ مبنی بر افزایش معنی دار هویت ملی و هویت مذهبی و کاهش معنی دار نفی هویت مذهبی و نفی هویت ملی طی چهار سال تحصیل در دانشگاه از تحلیل واریانس استفاده شد. فقط مقدار F حاصل از هویت مذهبی معادل ۳/۳۵ در سطح $\alpha < 0/01$ معنی دار بود. با استفاده از آزمون شفه جهت مقایسه میانگین هویت مذهبی تفاوت میانگین بین سال های مختلف در جدول شماره (۳) ارائه شده است.

جدول شماره (۲) آزمون تعقیبی شفه برای مقایسه تفاوت معنی دار مقیاس هویت مذهبی بین دانشجویان سال اول تا چهارم

سال اول	سال دوم	سال سوم	سال چهارم	پایه تحصیلی دانشجویان	میانگین
				سال چهارم	۱۴/۸۰
				سال سوم	۲۰/۰۲
			*	سال دوم	۲۱/۶۸
			*	سال اول	۲۱/۷۷

* تفاوت در سطح $\alpha < 0/05$ معنی دار است.

علی رغم تفاوت معنی دار بین دانشجویان سال چهارم با دانشجویان سال دوم و سال اول این تفاوت در جهت فرضیه پژوهش نیست. با افزایش سال های تحصیل در دانشگاه در میانگین هویت ملی، نفی هویت ملی و نفی هویت مذهبی تغییر معنی داری مشاهده نشد.

یافته‌های مربوط به فرضیه های ۷ تا ۱۰ رابطه حرمت خود و حالت اضطراب با هویت من، هویت ملی و هویت مذهبی در جدولهای شماره ۴ و ۵ ارائه شده است. نتایج مربوط به فرضیه های ۷ و ۸ را با توجه به جدولهای شماره ۴ و ۵ به این ترتیب بیان می‌شود که بین حرمت خود و هویت یافتگی و بحران زدگی در جهت تایید فرضیه تحقیق همبستگی معنی دار وجود دارد، در حالیکه بین حرمت خود و هویت ملی و هویت مذهبی همبستگی معنی داری وجود ندارد ولی بین حرمت خود و نفی هویت ملی و نفی هویت مذهبی همبستگی معنی دار وجود دارد.

جدول شماره (۴) همبستگی خطی حرمت خود و حالت اضطراب با هویت من
مربوط به فرضیه های شماره ۷ تا ۱۰

حالت اضطراب	حرمت خود	
۰/۱۵**	۰/۱۹**	هویت یافتگی عقیدتی
۰/۲۴**	۰/۳۱***	هویت یافتگی بین فردی
۰/۱۷*	-۰/۲۸***	بحران زدگی عقیدتی
۰/۱۷*	-۰/۱۵*	بحران زدگی بین فردی
۰/۱۰	-۰/۲۶***	سردرگمی عقیدتی
۰/۱۷*	-۰/۴۲	سردرگمی بین فردی

حجم نمونه = ۱۷۶ نفر

* میزان $0/14 = 2$ در سطح خطای $0/05 <$ معنی دار است.

** میزان $0/19 = 2$ در سطح خطای $0/01 <$ معنی دار است.

*** میزان $0/25 = 2$ در سطح خطای $0/001 <$ معنی دار است.

جدول شماره (۴) همبستگی خطی حرمت خود و حالت اضطراب با هویت‌های ملی و مذهبی مربوط به فرضیه‌های ۷ تا ۱۰

حالت اضطراب	حرمت خود	
-۰/۱۱	۰/۱۳	هویت ملی
۰/۱۵*	-۰/۱۴*	نفی هویت ملی
۰/۱۵	۰/۰۸	هویت مذهبی
۰/۲۳**	-۰/۲۳**	نفی هویت مذهبی

حجم نمونه = ۱۷۶ نفر

* میزان همبستگی $r = 0/14$ در سطح $0/05 <$ معنی دار است.

** میزان همبستگی $r = 0/19$ در سطح $0/01 <$ معنی دار است.

در زمینه فرضیه های ۹ و ۱۰ با توجه به جدولهای شماره ۴ و ۵ مشخص می‌شود که حالت اضطراب با هویت یافتگی همبستگی منفی دارد، در حالیکه حالت اضطراب با بحران زدگی و سردرگمی همبستگی مثبت دارد و فرضیه ۹ و ۱۰ در مورد حالت اضطراب و هویت من تایید می‌شود. در خصوص همبستگی حالت اضطراب و نفی هویت ملی و نفی هویت مذهبی نتایج این همبستگی فرضیه تحقیق را تایید می‌کند.

جهت بررسی یافته های مربوط به فرضیه ۱۱ در خصوص بالاترین سطح حرمت خود بین ساخت‌های مختلف هویت من با استفاده از تحلیل واریانس یکطرفه میانگین و انحراف استاندارد هویت عقیدتی در جدول شماره ۶ ارائه شده است.

جدول شماره (۵) میانگین و انحراف استاندارد حرمت خود در چهار گروه هویت من عقیدتی با استفاده از تحلیل واریانس یک طرفه

هویت من عقیدتی	تعداد	میانگین	انحراف استاندارد
سردرگمی	۵۴	۳۱/۰۷	۸/۷۶
دنباله روی	۳۵	۳۵/۵۷	۷/۷۳
بحران زدگی	۲۳۴	۳۵/۰۲	۸/۴۳
هویت یافتگی	۳۶	۴۰/۲۵	۶/۶۲

حجم نمونه = ۳۵۹ نفر

مقدار F حاصل از مقایسه چهار منزلت هویتی عقیدتی معادل $۸/۹۷$ است که در سطح خطای $\alpha < ۰/۰۰۰۰۰۱$ بین گروههای مختلف هویتی در میزان حرمت خود نشانگر تفاوت است، بالاترین سطح حرمت خود به گروه هویت یافته و پایین ترین سطح حرمت خود به گروه سردرگم تعلق دارد. با استفاده از آزمون تعقیبی شفه مشخص شد که بین گروه هویت یافته و گروههای بحران زده و سردرگم در میزان حرمت خود تفاوت معنی دار وجود دارد. همچنین بین گروه بحران زده و گروه سردرگم نیز در میزان حرمت خود تفاوت معنی دار وجود دارد. یافته های مربوط به فرضیه ۱۱ مؤید این نکته است که بالاترین سطح حرمت خود در گروه هویت یافته و پایین ترین سطح حرمت خود در گروه سردرگم است. اما میزان حرمت خود گروه بحران زده و دنباله رو بالاتر از گروه سردرگم و پایین تر از گروه هویت یافته است.

در خصوص نتایج مربوط به فرضیه ۱۲ در خصوص بالاترین و پایین ترین سطح حالت اضطراب در چهار گروه هویتی با استفاده از تحلیل واریانس یک طرفه میانگین و انحراف استاندارد حالت اضطراب چهار گروه هویتی در جدول شماره ۷ ارائه شده است.

در خصوص نتایج مربوط به فرضیه ۱۲ در خصوص بالاترین و پایین ترین سطح حالت اضطراب در چهار گروه هویتی با استفاده از تحلیل واریانس یک طرفه میانگین و انحراف استاندارد حالت اضطراب چهار گروه هویتی در جدول شماره ۷ ارائه شده است.

جدول شماره (۷) میانگین و انحراف استاندارد حالت اضطراب در چهار گروه هویت من عقیدتی با استفاده از تحلیل واریانس یک طرفه

هویت من عقیدتی	تعداد	میانگین	انحراف استاندارد
سردرگمی	۶۴	۴۸/۶۰	۱۲/۴۱
دنباله روی	۳۶	۴۴/۲۵	۱۱/۸
بحران زدگی	۲۵۰	۴۳/۴۳	۱۲/۱
هویت یافتگی	۴۱	۳۴/۰۲	۸/۸

حجم نمونه = ۳۹۱ نفر

مقدار F حاصل از مقایسه چهار ساخت هویتی عقیدتی معادل ۱۲/۷۷ است که در سطح خطای $\alpha < ۰/۰۰۰۰۱$ نشان دهنده تفاوت بین گروههای مختلف هویتی

در میزان حالت اضطراب است. بالاترین سطح اضطراب به گروه سردرگم و پایین ترین سطح اضطراب به گروه هویت یافته تعلق دارد. این نتایج فرضیه ۱۲ را تایید می کنند، ولی آزمون تعقیبی شفه جهت مقایسه گروهها با یکدیگر حاکی از تفاوت سطح اضطراب گروه هویت یافته با سه گروه هویتی دیگر و نیز تفاوت گروه بحران زده با گروه سردرگم است.

نتیجه:

یافته های مربوط به تحول ساخت هویت من که در جدول شماره ۲ ارائه شده است با توجه به معنی دار بودن رابطه سالهای تحصیل و تحول ساخت هویت من حاکی از بیان دو نکته مهم است: اول آنکه به طور منظم درصد دانشجویان دنباله رو کاهش و درصد دانشجویان هویت یافته افزایش می یابد. دوم اینکه بیشترین درصد از میان چهار گروه هویت من در طول چهار سال تحصیل در دانشگاه به گروه بحران زده تعلق دارد (۶۵ درصد دانشجویان سال اول، ۵۸ درصد سال دوم، ۷۷ درصد سال سوم، ۶۷ درصد سال چهارم)، بالا بودن درصد دانشجویان بحران زده خصوصاً در سال سوم تلویحاً به این معنا اشاره دراد که اولاً درصد قابل توجهی از دانشجویان را گروه بحران زده تشکیل می دهد. ثانیاً با افزایش سالهای تحصیل نیز بحران زدگی سیر ثابتی دارد. البته نکات ذکر شده به جنبه عقیدتی هویت من که به موضع گیری فرد در برابر انتخاب شغل، فلسفه زندگی، امور سیاسی و مذهبی تعلق دارد مربوط می شود.

درباره فرضیه های مربوط به افزایش هویت ملی و مذهبی و نیز کاهش نفی هویت ملی و مذهبی یافته های ارائه شده در جدول شماره ۳ حاکی از کاهش هویت مذهبی در دانشجویان سال چهارم نسبت به دانشجویان سال اول و دوم است. در مورد افزایش هویت ملی و کاهش نفی هویت ملی و نفی هویت مذهبی تغییر معنی داری مشاهده نشد. بنابراین مشخص شد که هویت ملی دانشجویان طی

سالهای تحصیل تغییر محسوسی نمی‌کند.

درباره فرضیه های ۷ تا ۱۰ پژوهش حاضر که به رابطه حرمت خود و حالت اضطراب به عنوان شاخص های سلامت روانی با جنبه های فرهنگی مانند هویت ملی، هویت مذهبی و نیز هویت من مربوط می‌شود، با توجه به یافته های جدول ۴ و ۵ از یکسو بین حرمت خود و هویت یافتگی همبستگی مثبت و از سوی دیگر بین حرمت خود و بحران زدگی و خصوصاً سردرگمی بین فردی همبستگی منفی ($r = -0.42$) وجود دارد و به خوبی رابطه ساخت های هویت من را با متغیر حرمت خود نشان می‌دهد. در خصوص رابطه حرمت خود و جنبه های فرهنگی هویتی می‌توان به یافته های جدول شماره ۱۰ توجه کرد. این یافته ها حاکی از همبستگی منفی حرمت خود با نفی هویت ملی و نفی هویت مذهبی است. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که بین نفی ارزشهای فرهنگی جامعه و کاهش حرمت خود شخص ارتباط وجود دارد.

درباره رابطه حالت اضطراب با انواع هویت ها نیز می‌توان با توجه به جدولهای ۴ و ۵ به رابطه منفی هویت یافتگی من و حالت اضطراب از یک سو و رابطه مثبت حالت اضطراب و بحران زدگی و سردرگمی از سوی دیگر اشاره کرد. البته بین حالت اضطراب و نفی هویت ملی و نفی هویت مذهبی نیز شاهد یک همبستگی مثبت و معنی دار هستیم. بنابراین طرد فرهنگ کشور می‌تواند با افزایش اضطراب همراه باشد.

فرضیه های ۱۱ و ۱۲ به بالاترین و پایین ترین سطح حرمت خود و حالت اضطراب در بین ساخت های مختلف هویت من مربوط می‌شود. با توجه به جدول شماره ۶ و وجود تفاوت معنی دار حرمت خود در ساخت های هویتی و نیز آزمون تعقیبی شفه گروه هویت یافته عقیدتی بالاترین سطح حرمت خود را داراست و گروه سردرگم پایین ترین سطح حرمت خود را دارد. با توجه به نقش حرمت خود در سلامت روانی می‌توان اینگونه نتیجه گیری کرد که گروه هویت یافته از بالاترین

سطح سلامت و بهداشت روانی و گروه سردرگم از پایین ترین سطح بهداشت روانی برخوردار است. البته حرمت خود گروه بحران زده نیز به نحو معنی داری از گروه هویت یافته پایین تر و از گروه سردرگم بالاتر است.

یافته های مربوط به فرضیه ۱۲ که در جدول شماره ۷ ارائه شده است بیانگر بالاترین سطح حالت اضطراب در گروه سردرگم است که با آزمون تعقیبی شفه مشخص شد که حالت اضطراب در این گروه از سه گروه هویت یافته، بحران زده و دنباله رو در حد معنی دار بیشتر است. از لحاظ برخورداری از بهداشت روانی گروه هویت یافته عقیدتی باتوجه به بالا بودن سطح حرمت خود و پایین بودن سطح حالت اضطراب، بهترین وضعیت را دارد و گروه سردرگم به جهت بالاترین سطح اضطراب و پایین ترین سطح حرمت خود با بدترین وضعیت دست به گریبان است. به طور کلی یافته های تحقیق حاضر ارتباط هویت یافتگی فردی، پذیرش فرهنگ کشور را با شاخص های بهداشت روانی مانند حرمت خود و حالت اضطراب، بخوبی مورد تایید قرار می دهد.

منابع:

- ۱- پناهی شهری، محمود (۱۳۷۲)، بررسی مقدماتی، روایی، اعتبار و نرم یابی سیاهه حالت صفت اضطراب - دانشگاه تربیت مدرس.
- ۲- دادستان، پریرخ- پژوهش منتشر نشده با استفاده از پرسشنامه حرمت خود بزرگسالان کوپراسمیت.
- ۳- رحیمی نژاد، عباس و احمدی، علی اصغر (۱۳۷۴) مطالعه تحلیلی و علی هویت یابی نوجوانان ایرانی و رابطه آن با ساخت اجتماعی، اقتصادی و تحصیلی خانواده در دانش آموزان دختر و پسر نوجوان
- ۴- منصور، محمود و دادستان، پریرخ (۱۳۶۹) روان شناسی ژنتیک ۲- چاپ دریا
- 5- Adams, G.R and Bennion, R. and Huk, K.(1989)-Objective Measure of Ego Identity Status: A Reference Manual.(2nd ed.) (Available from G.A.Adams, Laboratory for Reasearch on Adolescence. Guelph university, Ontario).
- 6- Archer,S.L.(1994)-Interventions for adolescent identity development-Sage publication-London

- 7- Astin, A.W.(1977)-Four critical years. San Francisco: Jossey-Bass.
- 8- Diaz-Guerrero, R.(1997)-Toward A Psychological Nationalism-Peace and Conflict: Journal of peace psychology, 3940, 373-382.
- 9- Erikson, E.H.(1986), Identity Youth and Crisis-Faber and Faver, 24 Russell Square, London.
- 10- Fulton, A.S.(1997). Identity Status, Religious Orientatio and prejudice-Journal of Youth and Adolescence, Vol, 26, No.1, 1-11.
- 11- Gorsuch, R.L.(1988), Psychology of Religion-Annual Review of Psychology-39: 201-221
- 12- Kroger. J.(1996), Identity In Adolescence The Balance Between self and Other-2nd.ed-Routledge.
- 13- Loeviger, J. et. al.(1985)-Ego Development in College-Journal of Personality and Social Psychology Vol 48, No.4, 947-962.
- 14- Marcia,J.E(1966)-Development and Validiation of ego identity status-Journal of Personality and Social Psychology.
- 15- Markstrom-Adams.C, et.al.(1994), The ego-virtue of fidelity: A Case for the study of religion and identity formation.
- 16- Martineze, R.O. and Dukes, R.L(1997) The effects of ethnic identity, ethnicity, and gender on adolescent well-being-Journal of Youth and Adolescence, Vol.26, No.5, 503-516
- 17- Phiney, J.S.(1990) Ethnic identity in adolescents and adults:
Review of Research-Psychological Bulletin- Vol.108, No.3, 499-514
- 18- Waterman,A.S(1992)-Identity as an aspect of optimal Psychological funtioning-in Adams,G.R.,Gullotta, T.P.,Montemayor,R(eds), Adolescent identity formation-sage publication.
- 19- Waterman,A.S and Waterman, C.K(1971)-Longitudinal study of changes in ego identity status from the freshman to the senior year at college-Developmental Psychology- Vol.10 387-392.
- 20- Waterman,A.S,Geary.P.S.and Waterman,K.C.(1974)Longitudinal study of changes in ego identity status from the freshman to the senior year at college-Developmental Psychology- Vol. 10, 387-392.
- 21- Westman-Alida, S.(1992), Existential anxiety as related of conceptualization of self and of death, denial of death and resigiosity-Psychological Report Dec 71(3,Pt2), 1064-66